

و از طوفان تا آدم هزار و دویست و هجده سال که جمله شش هزار  
 و هفتصد و پنجاه سال است و در کتب تالی در بیان آن جمله از جمله ما  
 معنی ظاهر شده است از آن جمله آنست که امته و والده  
 رسول صلی الله علیه و سلم گفته است که در وقت ولادت وی  
 تنها بودم در منزل خود بعد المطلب و طواف بود و عمید ایستاد  
 پیش از ولادت وی صلی الله علیه و سلم چهار ماه در خانه نشین  
 شده بود و هم آنجا نه فون گشته تا گاه آن خدایس که دم که خدای  
 عظم از جانب سقفت خانه فرود آمد در من این عیبی عظیم مستوی  
 شد که آنجا در یافتیم که مرغی سفید بر خود بر من بالید آن  
 از من زایل شد شیرینی سفید بر من دادند که تصور کردم که بکر  
 شیر است چون گشتم لودم از آن شربت خوردم و زبانی  
 دیدم بلند بالا و زیباروی که بدختر آن عید منافعی گشته  
 که در من در آید و بعد حال من میگردند و دیباچی دیدم سفید  
 از آسمان تا بر زمین آویخته و شنیدم که قایل میگفت بکر بود  
 از چشم مردمان در جوی مرغان دیدم که می آید تا صفایای ایشان

از زرد و بالهای ایشان از با قوت و در آن حالت برده آید  
 چشم من برداشتم تا متعرق و مغار و وی زمین بر آید  
 و سنه علم دیدم بر آنرا شسته یکی در مشرق و یکی در مغرب یکی بر آید  
 کعبه بعد از آن زمان بسیار که در من در آمدند چون بحسب حدیث  
 آمد سر سجده نهاد و انگشت خویش بسوی آسمان برداشت بعد از آن  
 پاره ابرو شد و در آمد و چون برخواست محمد را غایب کرد پس  
 پس شنیدم که عنادی میگفت که محمد را اگر در عالم بر آوردند  
 تا که خلق او را با اسم و صورت و صفت بشناسند در یک  
 چشم زدن آن ابرو بجای شد محمد را دیدم در صحنی مجید سفید  
 از شیر و نرم تر از خسر بر لب بر آید بکر تر از آنکه اول که از وی  
 سخن مردان صمیم بسیار می شنیدم عنادی میگفت محمد را کرد  
 همه جن و انس سپاس بر آوردند او را اعطاد آید صفوت آدم  
 و رقت نوح و خلعت ابراهیم و لسان اسمعیل و جمال یوسف  
 و بشیرای یعقوب مصوت داود و صبر یونس زهد عیسی و کرم  
 عیسی علیه السلام و الصلوات و در یک چشم زدن این ابرو بجای

از زرد و بالهای